

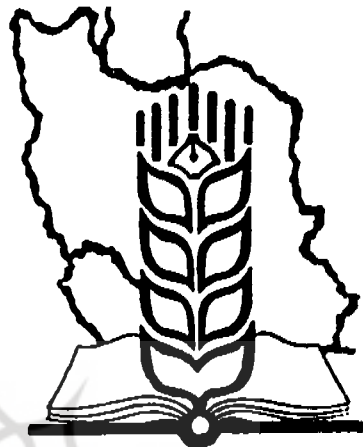
تحرك جغرافيايى و اجتماعى در ميان خانواده‌هاى نمونه

يکى از ويژگيهاى بارز جامعه روستايى سنتى، پايين بودن ميزان تحرك اعم از جغرافيايى و اجتماعى است. وجود روابط نخستين، چهره به چهره و صميمانه که مبتنى بر عواطف انساني و تمايلات باطنى افراد است، سبب مى‌شود که روستايى کمتر زادگاه خود را ترک کند و در سرزمينهاى ديگرى که نسبت به آن نامأنوس و ناآشناست، سکونت اختيار کند.

تحرك جغرافيايى که در بسيارى موارد با ترک شغل پدرى و اشتغال به فعاليتهاى ديگر همراه است، در گذشته - بويژه در دوران بزرگ مالکى - خيلى به ندرت صورت مى‌گرفت و روستايان عمدتاً شغل پدران را دنبال مى‌کردند.

اما در سالهاى اخير و بويژه پس از اجراى قوانين ارضى جابجايى و تغيير مکان در جامعه روستايى به نسبت بيشتر شده است و مردمان ده‌نشين به علل گوناگونى محل تولد خود را ترک و در جاى ديگر استقرار مى‌يابند. اين پديده در نسل جوان روستايى که اغلب با تحصيل سواد به کسب مهارتهاى حرفه‌اى مى‌پردازد، به نسبت بيشترى مشاهده مى‌شود. در نتيجه ميان آنان زمينه مساعدى جهت تحرك مکانى پيدا شده است. در مطالعه حاضر از طريق مقايسه محل سکونت سرپرستان خانواده‌هاى نمونه با محل تولد آنها و پدرانشان ميزان تحرك جغرافيايى طى دو نسل اخير مشخص شده است. در جدول شماره (۱) توزيع سرپرستان خانوارهاى نمونه بر حسب چگونگى محل تولد و سکونت آنها آمده است.

چنانچه ملاحظه مى‌شود، از کل ۱۹۵۱ نفر رؤساي خانوارهاى نمونه، ۷۳/۹ درصد در همان محل تولد خود ساکن بوده و تحرك مکانى نداشته‌اند و تنها ۲۴ درصد آنها در خارج از محل تولد خود سکونت داشته‌اند. اگر آن دسته از سرپرستان خانوارهاى نمونه که محل تولد آنها مشخص نبوده است، جزء اين گروه به شمار آيند،



مجموعه مقالات ستاد طرح تدوين نظام ترويج

ساختار اجتماعى جامعه روستايى ايران

”قسمت سوم“

اشاره

مقاله‌اى که به دنبال خواهد آمد، با تلخيص و بهره‌گيرى از گزارش نهايى طرح ۱، پروژه ۴ - از مجموعه طرحهاى مطالعاتى ”ستاد طرح تدوين نظام ترويج کشاورزى ايران“ تهيه و تدوين شده است. مسئوليت اين طرح مطالعاتى را دکتر مصطفى ازکيا و مسئوليت پروژه را دکتر منصور وثوقى عهده دار بوده‌اند. لازم به ذکر است که اين طرح مطالعاتى در سال ۱۳۷۲ انجام و مقاله ذيل نيز توسط آقاى مهندس محمدهادى اميرانى به رشته تحرير درآمده است. اميد است که مورد توجه و استفاده عموم صاحب نظران و دانش پژوهان قرار گيرد.

میزان تحرک مکانی برای سرپرستان خانوارهای نمونه برابر ۲۶/۱ درصد می شود. در جدول شماره (۲) محل سکونت رئیس خانوار با محل تولد پدرش مورد مقایسه قرار گرفته است. بنابر این جدول، ۷۹/۶ درصد سرپرستان خانوارهای نمونه در همان محل تولد پدرانشان سکونت داشته‌اند و تنها ۱۷/۹ درصد تحرک مکانی داشته‌اند.

ارقام مندرج در جدولهای مذکور مبنای پایین بودن نسبی میزان تحرک جغرافیایی جمعیت روستایی طی یک تا دو نسل اخیر می باشد. بدون شک این تحرکات که در سطح جامعه روستایی و از روستایی به روستای دیگر صورت گرفته، روشنگر تفاوتی است که از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و میزان مهاجرت پذیری و مهاجرتی میان جوامع روستایی وجود دارد. به علاوه، مطلب دیگری که در این زمینه می توان مطرح کرد، دشواری راههای ارتباطی، پراکندگی و دوری روستاهای کشور از یکدیگر است که میزان تحرک جغرافیایی را به نسبت قابل ملاحظه‌ای پایین آورده است. مسئله دیگر مورد مطالعه مربوط به میزان تحرک جغرافیایی در نسل جوان است. در جدول شماره (۳) محل سکونت پسران روستایی خانوارها با محل تولد آنها نشان داده می شود.

هر چند در میان جوانان روستایی میزان تحرک جغرافیایی به نسبت قابل ملاحظه‌ای دیده می شود، ولی این امر بیشتر مربوط به مهاجرت از روستا به شهر می باشد که با افزایش جمعیت روستایی، کمبود زمین، عدم امکان اشتغال به فعالیت زراعی و تغییر شغل همراه است. چنانچه جدول شماره (۳) نشان می دهد در میان سرزندان رؤسای خانوارها، میزان تحرک جغرافیایی در سطح روستاها از روستایی به روستای دیگر برابر ۱۶/۷ درصد یعنی بسیار اندک و حتی از میزان تحرک جغرافیایی نسلهای گذشته به مراتب کمتر است. بنظر می رسد که انگیزه های

روستاییان در ترک روستا در سالهای گذشته عمدتاً تحت تأثیر نیروی دافعه جامعه روستایی و کمبودهایی بوده است که از لحاظ فعالیتهای کشاورزی و امکان بهره برداری از زمین وجود داشته است. بنابراین مطالعه مهمترین علل ترک ده برای روستاییانی که روستای خود را ترک کرده و در سرزمین دیگری سکونت اختیار کرده‌اند عبارت از کمبود آب، کمی درآمد، فشار و ظلم ارباب، دور بودن محل مزارع، حدود سیل و زلزله در ده محل تولد، خرید زمین و امکان بیشتر

فعالیتهای زراعی در ده محل سکونت و بالاخره ازدواج و تبعیت از خانواده بوده است. در حالی که اکنون ترک ده اغلب برای مهاجرت به شهر است که با تغییر شغل همراه می باشد و زمینه تحرک اجتماعی را در جامعه فراهم می آورد.

تحرک اجتماعی

منظور از تحرک اجتماعی انتقال فرد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر است. تحرک اجتماعی دارای دو جنبه است؛ "تحرک

جدول شماره (۱) توزیع سرپرستان خانوارهای نمونه بر حسب

چگونگی محل تولدو محل سکونت

درصد	تعداد	شرح
۱۰۰	۱۹۵۱	جمع
۷۳/۹	۱۴۴۱	محل سکونت رئیس خانواده همان محل تولدش است
۲۴/۰	۴۶۹	محل سکونت رئیس خانواده غیر از محل تولدش است
۲/۱	۴۱	محل تولد رئیس خانواده مشخص نیست

جدول شماره (۲) مقایسه محل سکونت رؤسای خانوارهای نمونه با محل تولد پدری

درصد	تعداد	شرح
۱۰۰	۱۹۵۱	جمع
۷۹/۶	۱۵۵۳	محل سکونت رئیس خانواده همان محل تولد پدری است
۱۷/۹	۳۴۹	محل سکونت رئیس خانواده غیر از محل تولد پدری است
۲/۵	۴۹	محل تولد پدر رئیس خانواده نامعلوم است

جدول شماره (۳) مقایسه محل سکونت پسر رئیس خانوار با محل تولدش

درصد	تعداد	شرح
۱۰۰	۱۹۴۷	جمع
۷۵/۱	۱۴۶۲	محل سکونت پسر رئیس خانواده همان محل تولدش است
۱۶/۷	۳۲۶	محل سکونت پسر رئیس خانواده غیر از محل تولدش است
۸/۲	۱۵۹	محل تولد پسر رئیس خانواده نامعلوم است

اجتماعی افقی" که فرد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی مشابه انتقال می‌یابد و "تحرك اجتماعی عمودی" که خود به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ تحرك اجتماعی صعودی یا صعود اجتماعی و تحرك اجتماعی نزولی یا نزول اجتماعی. تحرك اجتماعی گروهی از روستازادگان در سالهای اخیر بر اثر انجام تحصیلات عالی یا آموزش فنون و کسب مهارت‌های حرفه‌ای و اشتغال به مشاغل بالا از نوع صعود اجتماعی است.

چنانچه فرد از پایگاه اجتماعی بالاتری به پایگاه اجتماعی پایین‌تری منتقل شود، گفته می‌شود که نزول اجتماعی کرده است. بعضی از روستاییان در جریان تقسیم اراضی بر اثر نیرنگ مالکان و ماموران اصلاحات ارضی حق ریشه خود را فروختند و تنزل اجتماعی پیدا کردند. در اینجا با استفاده از دو ملاک سواد و شغل و مقایسه آنها میان سرپرستان خانواده‌ها و پدرانشان از یک سو و سرپرستان خانواده‌ها و فرزندان آنها از سوی دیگر، تحرك اجتماعی در میان خانوارهای نمونه مورد مطالعه قرار گرفته است. در جدول شماره (۴) سرپرستان خانواده‌های نمونه با پدران خود از لحاظ چگونگی وضع سواد مقایسه می‌شوند.

چنانچه ملاحظه می‌شود، میزان تحرك اجتماعی در جامعه مورد مطالعه از حیث تغییراتی که در وضع سواد نسلی پدید آمده، بسیار اندک است. زیرا اکثر سرپرستان خانوارها (۸۸/۱ درصد) مانند پدران خود بیسواد بوده‌اند و تنها ۱/۲ درصد از آنها سواد داشته‌اند که پدران آنها از سواد برخوردار نبوده‌اند. در بعضی موارد تحرك اجتماعی جنبه نزول اجتماعی داشته است، بطوری که ۶/۲ درصد از سرپرستان خانوارها سواد نداشته‌اند، در حالی که پدران آنها بیسواد بوده‌اند. بدون تردید کمی میزان تحرك اجتماعی از لحاظ سواد در میان نسل پدران و پدربزرگها با شرایط اجتماعی گذشته در ارتباط است که نظام فئودالی و بزرگ مالکی بر جامعه روستایی حاکم بود و به ثبات گرایش داشت. بعدها که بزرگ مالکی به ضعف و سستی گرایید، تغییراتی مثبت حاصل شد که بازتاب آن در نسل جوان و فرزندان آنها مشاهده می‌شود. جدول شماره (۵) که بر اساس مقایسه سواد سرپرستان خانواده‌ها و

پسران آنها تنظیم شده است، این امر را تأیید می‌نماید.

ارقام مندرج در جدول شماره (۵) حاکی از آن است که بین نسل پدران و نسل پسران از لحاظ وضع سواد تغییرات قابل ملاحظه‌ای روی داده است، چنانچه از کل خانواده‌های نمونه ۴۳/۷

درصد سرپرستان خانوارها بیسواد بوده‌اند، در صورتی که فرزندان آنها از نعمت سواد برخوردار بوده‌اند. این رقم در مقایسه با نسبت تغییر وضع سواد بین نسل پدران و پدربزرگها که برابر ۱/۲ درصد بوده است، حکایت از این می‌کند که در نسل فرزندان از حیث سواد تحرك اجتماعی در

جدول شماره (۴) مقایسه وضع سواد سرپرستان خانوارها با پدران آنها

شرح	تعداد	درصد
جمع	۱۹۵۱	۱۰۰
رئیس خانوار و پدرش هر دو بیسوادند	۱۷۱۸	۸۸/۱
رئیس خانوار بیسواد و پدرش باسواد است	۱۲۰	۶/۲
رئیس خانوار باسواد و پدرش بیسواد است	۲۴	۱/۲
رئیس خانوار و پدرش هر دو باسوادند	۵۸	۳/۰
وضع سواد رئیس خانوار نامعلوم و پدرش بیسواد است	۵	۰/۳
وضع سواد رئیس خانوار و پدرش هر دو نامعلوم است	۱۹	۰/۱
وضع سواد رئیس خانوار نامعلوم و پدرش باسواد است	۳	۱/۲
رئیس خانوار بی سواد و وضع سواد پدرش نامعلوم است	۴	۰/۲

جدول شماره (۵) مقایسه سواد رئیس خانوار با پسر اول در جامعه مورد مطالعه

شرح	تعداد	درصد
جمع	۱۹۵۱	۱۰۰
رئیس خانواده بیسواد، پسرش باسواد است	۸۵۲	۴۳/۷
رئیس خانواده و پسرش هر دو باسواد هستند	۳۴۲	۱۷/۵
رئیس خانواده باسواد و پسرش بیسواد است	۸۳	۴/۳
رئیس خانواده باسواد و وضع پسرش نامعلوم است	۱۵۶	۸/۰
وضع سواد رئیس خانواده نامعلوم ولی پسرش بیسواد است	۱۶	۰/۸
رئیس خانواده و پسرش هر دو بیسواد هستند	۲۱۵	۱۰/۰
سواد رئیس خانواده نامعلوم و پسرش باسواد است	۴	۰/۲
سواد رئیس خانواده و پسرش هر دو نامعلوم است	۱۰	۵/۱
رئیس خانواده بی سواد و سواد پسرش نامعلوم است	۲۷۴	۱۴/۰

حد بسیار بالایی وجود دارد. بدون شک گسترش امکانات تحصیلی و فعالیتهای آموزشی از عوامل مهمی است که در ایجاد این تحرک اجتماعی تأثیر داشته است. با وجود این اثر پیدایش و رواج ارزش اجتماعی سواد را در جامعه روستایی نمی‌توان نادیده گرفت. بررسی رئیس خانواده‌ها و پسرانشان از لحاظ شغل تغییرات زیادی را در این زمینه نشان می‌دهد. در جدول شماره (۶) وضع رئیس خانواده و پسرانش از لحاظ شغل آمده است.

بر اساس جدول شماره (۶) از کل خانوارهای نمونه در تعداد ۱۲۵۳ واحد (۶۴/۳ درصد) سرپرستان خانوارها دارای شغل کشاورزی بوده‌اند در حالی که پسر اول آنها به فعالیتهای غیرکشاورزی اشتغال داشته است. رقم مذکور، بالا بودن میزان تحرک شغلی را در میان نسل پدران و فرزندان نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که این امر تا حد زیادی با کاهش قیمت محصولات کشاورزی در گذشته مربوط باشد که سبب پیدایش انگیزه تغییر شغل در روستاییان گردیده و سرانجام به تغییر شغل فرزندان و اشتغال به فعالیتهای غیرکشاورزی منجر شده است. این پدیده از یک سو با توسعه صنایع مونتاژ و رواج فعالیتهای خدماتی در شهرها و از سوی دیگر با کاهش قیمت

تولیدات کشاورزی بر اثر ورود محصولات مشابه آن از خارج ارتباط داشت که زمینه هجوم روستاییان به شهرها را فراهم کرد و سرانجام سبب پیدایش بحران شدیدی در کشاورزی کشور گردید. در سالهای اخیر بر اثر افزایش بهای محصولات کشاورزی این روند تا حد زیادی تغییر کرده و روستا نشینی و زندگی روستایی نسبتاً از ارزش اجتماعی بهتری برخوردار شده است. جوانان روستایی و حتی گروهی از جوانانی که در شهرها مشغول به کار بوده یا به تحصیل اشتغال داشته‌اند، به فعالیتهای کشاورزی روی آورده‌اند. یا اینکه در حین اشتغال به تحصیل و فعالیتهای غیرکشاورزی کارهای کشاورزی را نیز دنبال می‌کنند.

مقایسه وضع سرپرستان خانوارها و پسران سوم آنها نشان می‌دهد که تغییر شغل برای فرزندان سوم از فعالیت کشاورزی به غیر کشاورزی به نسبت قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است و در مقابل تغییر شغل فرزندان اول که برابر ۶۴/۳ درصد بوده به ۳۲/۷ درصد رسیده است. بدون تردید، گرایش به تحصیل - بویژه تحصیلات عالی که در سالهای اخیر تا حد زیادی در جوانان روستایی افزایش یافته - زمینه تحرک اجتماعی را در آینده فراهم می‌آورد و این امر با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، تعارضات و تضادها بین

خرده‌فرهنگها بویژه برخورد فرهنگ جامعه روستایی و فرهنگ شهری مسائل جدیدی را مطرح می‌کند و خود زمینه تازه‌ای را برای مطالعات روستایی بویژه فرهنگ روستایی و تأثیر متقابل آن با فرهنگ شهری را فراهم می‌آورد.

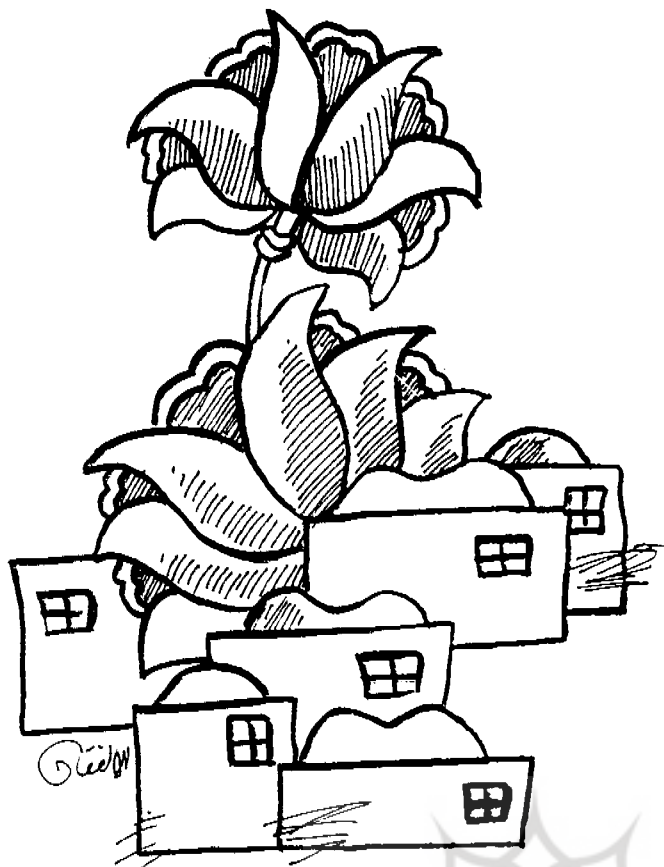
مهاجرت‌های روستایی و انواع آن

مهاجرت از گذشته‌های دور، نوعی سازگاری انسان با محیط تلقی می‌شد. کوچ عشایر در فصول سرد و گرم از بیلاق به قشلاق و برعکس نمونه‌ای از این سازگاری است که به اقتضای شرایط اکولوژیک صورت می‌گیرد. در سالهای اخیر پدیده مهاجرت در کشورهای جهان سوم با آثار و نتایج نامطلوبی که در جوامع "مهاجر فرست" و "مهاجر پذیر" به بار آورده است، از دیدگاه آسیب شناسی اجتماعی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، چراکه از یک سو مهاجرت نیروی کار از روستا، به کشاورزی سنتی لطمه می‌زند و از سوی دیگر نیروی کار انسانی مهاجران روستایی در شهرهای کشورهای در حال توسعه که صنعت توسعه نیافته است و هنوز توان جذب نیروهای مهاجر را ندارد، نوعی بیکاری پنهان را در جامعه‌های شهری مطرح می‌سازد که در بسیاری موارد به نابسامانیهایی در جامعه منجر خواهد شد.

مطالعات انجام شده در سرزمینهای توسعه نیافته، حاکی از آن است که سرعت و میزان مهاجرت از روستا به شهر در این سرزمینها از میزان نیروی کار در شهرها بمراتب بیشتر و از ظرفیت بخش صنعت و خدمات برای جذب نیروی کار بالاتر است. در کشور ایران مهاجرت بی رویه روستاییان به شهر مسئله‌ای اساسی و قابل مطالعه است. این مسئله که با اجرای قوانین ارضی در ایران بصورت حادی درآمده و شدت پیدا کرده، از این جهت بیشتر اهمیت دارد که میان دفع نیروی انسانی اضافی از روستا و جذب این نیرو در جامعه شهری تعادلی وجود ندارد و نه تنها برای جامعه روستایی به جهت از دست دادن نیروی فعال شاغل در کشاورزی، بلکه به علت عدم امکان جذب این نیروها در جامعه شهری و پیدایش بیکاری پنهان در شهرها و آسیبهای اجتماعی ناشی از آن، در خور توجه زیادی است. در ایران بررسی مهاجرت‌های روستاییان به

جدول شماره (۶) مقایسه سرپرستان خانواده‌ها و پسران اول از لحاظ شغل

شرح	تعداد	درصد
جمع	۱۹۵۱	۱۰۰
شغل رئیس خانوار کشاورزی و شغل پسر غیر کشاورزی	۱۲۵۳	۶۴/۳
شغل رئیس خانوار و پسر هر دو کشاورزی	۳۲۳	۱۶/۵
شغل رئیس خانوار غیر کشاورزی و شغل پسر کشاورزی	۲۵	۱/۳
شغل رئیس خانوار کشاورزی و شغل پسر نامعلوم	۱۵۶	۸/۰
شغل رئیس خانوار و پسر هر دو غیر کشاورزی	۱۶۵	۸/۵
شغل رئیس خانوار غیر کشاورزی و شغل پسر نامعلوم	۲۱	۱/۰
شغل رئیس خانوار و پسر هر دو نامعلوم	۶	۰/۳
اظهار نشده	۲	۰/۱



شهر از لحاظ تاریخی، حاکی از آن است که روند مهاجرت به شهر همواره یکسان نبوده است. در زمانهای گذشته - تا حدود نیم قرن پیش - آهنگ مهاجرت روستاییان به شهر بسیار کند بوده است. این مهاجرتها بطور عمده از روستا به روستا بوده و کمتر شکل مهاجرت از روستا به شهر را داشته است. مهاجرت نوع اول، یعنی مهاجرت از روستا به روستا گاهی جنبه برون منطقه‌ای داشت و گاه نیز در درون یک منطقه جغرافیایی صورت می‌گرفت. مهاجرت روستاییان سیستان و بلوچستان و پاره‌ای از مناطق خراسان به منطقه گرگان و دشت از نوع برون منطقه‌ای بوده است. در منطقه گرگان و دشت گنبد به علت توسعه کشاورزی و ایجاد واحدهای مکانیزه زراعی نیاز به نیروی کار بویژه در زراعت برنج و پنبه شدت پیدا کرد؛ در نتیجه، مالکان واحدهای مکانیزه زراعی بمنظور جذب نیروی کار به سیستان و بلوچستان و برخی از مناطق خراسان، بویژه خراسان جنوبی اعزام می‌شدند و نیروی کار مورد نیاز خود را از آن مناطق تأمین می‌کردند. بی‌شبهه، کم شدن آب رودخانه هیرمند و خشکسالیهای پیاپی، زمینه را برای مهاجرت روستاییان به آن مناطق فراهم کرد. امروزه وجود محله‌هایی نظیر "زابل محله" و محله‌های مشابه دیگر که نوعی جدایی مکانی را در سرزمین گنبد و دشت پدید آورده است، مبین وجود مهاجرت‌های متوالی و طولانی مردم از سرزمین سیستان و بلوچستان با فرهنگ ویژه‌شان به سرزمین گنبد، گرگان و دشت بوده و این جدایی مکانی تا حدی معلول تفاوت‌های فرهنگی میان مردم مهاجر و بومیان و شیوه‌های رفتار مالکان واحدهای مکانیزه با مهاجران می‌باشد.

مهاجرت روستاییان در درون یک سرزمین و در فضای اجتماعی، فرهنگی همسان و همانند بطور کلی توسط خوش‌نشینان روستایی انجام می‌گرفت که در سرزمینهای مختلف اصطلاحات گوناگونی برای آنها بکار می‌رفت؛ مثلاً این اصطلاح در سرزمین مازندران (چنانکه مطالعات پراکنده در این منطقه نشان می‌دهد، بنام "آکاره" خوانده می‌شود. بدین ترتیب، وقتی یک منطقه روستایی به نیروی کار نیاز داشت، نیاز خود را از طریق بکارگرفتن نیروی انسانی آزاد سایر روستاها

که همان خوش‌نشینان روستایی "آکاره" بوده‌اند تأمین می‌کرد و به شیوه مزدگیری یا نصفه‌کاری و یا شیوه‌های دیگر "آکاره"‌ها را بکار می‌گماردند. نظیر این پدیده در منطقه خراسان به منظور کشت چغندر و در سایر مناطق ایران به گونه‌های مختلف دیگر متداول بوده است. روی هم رفته، نیروهای مهاجر در این قبیل موارد بطور عمده در زمینه تولیدات زراعی و خدمات مربوط به آن اشتغال داشته‌اند و مهاجرت آنها کمتر با تغییر شغل همراه بوده است.

با اجرای قوانین ارضی در ایران و تبلیغات گسترده دولت در این زمینه، نخت بسیاری از روستاییان که در شهرها اقامت داشتند به روستا بازگشتند؛ ولی به جهت اینکه گروهی از آنها صاحب نسق زراعی نبودند و حتی پاره‌ای از صاحبان نسق که در اخذ زمین با شکست مواجه شدند و یا آن دسته از روستاییان که به اجبار یا فریب و نیرنگ مالکان حق ریشه خود را به مالک انتقال دادند، مجدداً سرزمین خود را ترک و به شهرها روی آوردند. در این دوره آهنگ مهاجرت نسبتاً شدید بوده و از لحاظ شکل، دارای تنوع بیشتری است. مهاجرت در این دوره از شکل نخت خود خارج شده و بصورت مهاجرت از روستا به شهر مرکزی استان و یا از روستا به

پایتخت دیده می‌شود. در این قبیل مهاجرتها نیروی جاذبه شهرها در ارتباط با فاصله، بیشترین تاثیر را در جذب نیروهای مهاجر داشته است. مطالعات حاکی از آن است که توسعه کشت برنج و پنبه در منطقه گرگان و گنبد بسیاری از این نیروهای مهاجر را جذب کرده و بنابراین، اثر نیروی جاذبه منطقه گرگان و دشت، نیروی جاذبه تهران را با توجه به بعد مسافت آن، تا حد زیادی در بعضی از زمینه‌ها خنثی کرده است. در شهرها، بر اثر توسعه صنایع موناژ نیاز به نیروی کار شدت یافت. این نیاز بویژه با گسترش فعالیتهای ساختمانی و نیاز به نیروی انسانی غیر متخصص روستایی، زمینه را برای مهاجرت شدید روستاییان به شهر فراهم آورد. علاوه بر آن، در این دوره قیمت محصولات زراعی بعلت ورود کالاهای مشابه خارجی تنزل یافت بطوری که روستاییان با تولید محصولات زراعی قادر به تأمین هزینه تولید نبودند و لذا مشاهده شده است که در این دوران بسیاری از روستاییان مزارع گندم و جو و سایر محصولات زراعی و باغی خود را رها کرده و برای اشتغال در امور ساختمانی به شهرها روی آورده‌اند. بدون تردید نامتعادل بودن بازده کار در دو بخش اقتصاد زراعی و اقتصاد شهری مهمترین انگیزه مهاجرت روستاییان به شهرها را

فراهم می‌آورد.

در این دوره بیشتر مهاجران بسوی شهرها روی می‌آوردند و در آنجا اقامت می‌گزیدند و پس از مدتی که بطور کامل استقرار می‌یافتند، خویشاوندان، همسر و فرزندان خود را به شهر انتقال می‌دادند. در این دوره که می‌توان آغاز آن را سال ۱۳۴۹ دانست، مهاجرت روستاییان به شهر شدت بیشتری یافت و شاید بتوان این دوره را "دوره مهاجرت انفجاری" تلقی کرد. بی‌گمان، ضعف مدیریت روستایی بویژه پس از اصلاحات ارضی، خشک شدن متوالی قنات‌ها، کمبود آب، بالا رفتن هزینه زراعی، کاهش بهای محصولات کشاورزی از یکسو و تمایل به زندگی شهری، شهرگرایی و وجود کار در صنایع مونتاژ شهری و امور ساختمانی، و بالابودن دستمزد در صنایع و خدمات شهری از سوی دیگر، زمینه را برای مهاجرت روستاییان به شهر به نسبت زیادی فراهم کرده است. این روند تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت یعنی تا زمانی که جهاد سازندگی با تجهیز نیروهای انقلابی و متعهد خود فعالیتهای عمرانی، اقتصادی، اجتماعی خود را در روستاها شروع کرد و در نتیجه، شدت مهاجرت روستاییان به شهر کاهش یافت. در بسیاری از روستاها که بر اثر خشکسالی و نبودن آب، خالی از سکنه شده بودند، مجدداً اجتماعات روستایی تشکیل شد و مردمان روستایی با استفاده از آب به کشت و زرع پرداختند. بی‌گمان اقدامات جهادسازندگی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و عمرانی تأثیر زیادی در کاهش مهاجرت افراد روستایی به شهر داشته است. اما با وجود این، همچون گذشته، مهاجرت روستاییان به شهر بصورت مسئله حادی مطرح است و همواره گروهی از روستاییان سرزمین خود را ترک می‌کنند و بدون در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی و بدون توجه به نیاز شهرها بدان سو روی می‌آورند. مهاجرت آنها به شهر در طول تاریخ از نظر نوع اقامت به دو صورت متمایز از هم یعنی؛ دائمی و فصلی تقسیم می‌شود.

۱- مهاجرت دائمی یا قطعی

در این گونه مهاجرت‌ها، مهاجران بمنظور سکونت دائم، روستاهای محل اقامت خود را

ترک و به شهرها روی می‌آورند. روستایی از همه علائق خود به سرزمین آباء و اجدادی دل می‌کند و به تنهایی یا به همراه خانواده خود راهی شهر می‌شود و بطور همیشگی در آنجا استقرار می‌یابد. از آنجا که جامعه شهری برای روستایی شناخته شده نیست و روستایی مهاجر با توجه به تضاد فرهنگی نسبت به آن احساس بیگانگی و سوء ظن دارد، نمی‌توان گفت که قصد او در ترک ده به منظور اقامت دائمی است. او سرزمین خود را که در آن زندگی برایش سخت و دشوار است، ترک می‌گوید و براه می‌افتد تا سرزمین دیگری را بیابد که زندگی راحتی را برای او فراهم آورد. این امر به مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی زیادی وابسته است. به همین جهت ممکن است روستایی برای سازگاری با محیط جدید با دشواریهای زیادی مواجه شود و به سرزمین اولیه خود بازگردد و مجدداً اینکار تکرار شود و بتدریج منجر به اقامت دائمی او در شهر یا سرزمین جدید گردد. مطالعاتی که در زمینه مهاجرت در خانوارهای نمونه انجام شده حاکی از آن است که اکثر مهاجران (۷۳/۶ درصد) بطور دائمی مهاجرت داشته‌اند.

۲- مهاجرت موقت یا فصلی

در این قبیل مهاجرت، روستایی در فصول غیر

زراعی به علل مختلف و عمدتاً اقتصادی به شهری که امکان کسب درآمد بیشتر در آن وجود دارد، روی می‌آورد و پس از مدت کوتاهی به هنگام کشت و زرع به سرزمین خود بازمی‌گردد. در مهاجرت فصلی اغلب اعضای خانواده روستایی در ده ساکن هستند و تنها یک یا چند نفر از افراد فعال آن به مهاجرت می‌پردازند. در پاره‌ای موارد هم ممکن است خانواده بطور کلی مهاجرت کند. مهاجرت روستاییان به شهر بیشتر شامل نیروهای فعال و جوان روستایی می‌شود که قدرت تحرک و کارکردن را دارند. بررسی مهاجران روستایی از لحاظ سن مؤید این نظر است. در جدول شماره (۷)، توزیع مهاجران روستایی بر حسب سن در موقع ترک ده مشاهده می‌شود.

طبق جدول شماره (۷)، اکثر مهاجران را افراد فعال گروه سنی ۴۹ - ۱۰ سال تشکیل می‌دهند که با ۹۰/۲ درصد بزرگترین نسبت را به خود اختصاص داده‌اند.

این نسبت برای مهاجران دائمی ۹۳/۶ درصد بوده است. از کل مهاجران روستایی ۸/۳ درصد، کمتر از ۱۰ سال سن داشته‌اند که اغلب فرزندان افراد مهاجر هستند و مهاجرت آنها جنبه تبعی دارد. بتدریج به موازات افزایش سن از میزان مهاجرت کاسته می‌شود، چنانکه از سالخوردگان گروه سنی

جدول شماره (۷) توزیع مهاجران روستایی خانوارهای نمونه بر حسب سن

سن در موقع ترک روستا	تعداد	درصد
کمتر از ۱۰ سال	۱۴۶	۸/۳
۱۰ - ۱۴ سال	۱۸۱	۱۰/۳
۱۵ - ۳۹ سال	۱۳۵۲	۷۶/۸
۴۰ - ۴۹ سال	۵۳	۳/۱
۵۰ - ۵۹ سال	۱۳	۰/۷
۶۰ - ۶۵ سال	۱۱	۰/۶
۶۵ سال و بیشتر	۴	۰/۲
جمع	۱۷۶۰	۱۰۰٪

۶۵ سال و بیشتر تنها ۰/۲ درصد مهاجرت داشته‌اند که بنظر می‌رسد مهاجرت آنها هم به تبع فرزندان بوده است. بررسی مهاجران روستایی از لحاظ چگونگی نسبت آنها با رئیس خانواده حاکی از آن است که اکثریت مهاجران (۸۱/۳ درصد) فرزندان خانواده‌ها بوده که ۱۳/۵ درصد خردسال و ۶۷/۷ درصد جوان و فعال بوده‌اند، ۷/۵ درصد مهاجران را سرپرستان خانواده‌ها و ۲/۶ درصد را همسران آنها تشکیل داده‌اند و ۷/۴ درصد نیز سایر افراد خانواده‌های نمونه را در برداشته است.

تأثیر عامل سواد را در پدیده مهاجرت نمی‌توان نادیده گرفت. مطالعات نشان می‌دهد که در جوامع روستایی بین سواد و مهاجرت همواره ارتباط مستقیمی وجود داشته است. بنابراین مطالعه، از کل مهاجران روستایی اعم از موقت یا دائم، ۷۱/۲ درصد دارای سواد بوده‌اند و تنها ۲۵/۹ درصد سواد نداشته‌اند. مقایسه ارقام مذکور مبین تأثیر مستقیم سواد در امر مهاجرت می‌باشد. همبستگی بین سواد و مهاجرت در بسیاری از اجتماعات روستایی مشاهده شده است. اگر وضع سواد مهاجران روستایی در قشرهای مختلف درآمد یا بر حسب میزان زمین خانواده مورد مطالعه قرار گیرد، مشاهده می‌شود که در درآمدهای بالا تأثیر عامل سواد در امر مهاجرت بیشتر است. به عبارت دیگر، نسبت مهاجران با سواد در قشرهای بالای جامعه بیشتر از قشرهای کم درآمد روستایی است. به نظر می‌رسد که این امر با عامل مهاجرت و انگیزه روستاییان در ترک ده و گرایش به زندگی شهری و اقامت در شهر نیز در ارتباط است. مطالعات موردی حکایت از این می‌کنند که میزان سواد در میان مهاجران متعلق به خانواده‌های کشاورز بر حسب میزان درآمد آنها متفاوت است؛ چنانکه این میزان در میان دارندگان ۳ تا ۳/۵ هکتار زمین، ۴۴/۵ درصد و در میان دارندگان ۱/۵ تا ۲/۹ هکتار زمین، ۳۲ درصد بوده است و در گروه کمتر از ۱/۵ هکتار به ۲۸/۶ درصد کاهش می‌یابد. لذا می‌توان گفت که بطور کلی عامل سواد در ایجاد و تحرک مکانی و مهاجرت موثر است، اما این تأثیر در وضع مهاجرت افراد خانواده زارعان بزرگ بیشتر از زارعان متوسط است و در مهاجرت زارعان

کوچک تأثیر بسیار کمتری دارد.

مهمترین مسئله‌ای که در امر مهاجرت مطرح می‌شود، علل مهاجرت روستاییان به شهر است که بر حسب شرایط زمانی و مکانی متفاوت می‌باشد. علاوه بر این، انگیزه مهاجرت روستاییان در قشرهای مختلف جامعه و بر حسب ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجتماعات مختلف روستایی باهم متفاوت می‌باشد. برخی از جامعه‌شناسان، این عوامل را در دو مقوله مجزا از هم، عوامل دافعه ده یا عوامل درونی و عوامل جاذبه یا عوامل بیرونی، مورد بررسی قرار داده‌اند و تحت عناوین مذکور مسائلی را مطرح کرده‌اند. بدون شک بررسی مسئله مهاجرت از یک سو با ویژگیهای اجتماعات روستایی و عواملی که جمعیتها را از خود می‌راند و دفع می‌کند، ارتباط دارد و از سوی دیگر با عوامل جاذبه موجود در شهرها که تحت عنوان "جاذبه شهر" مطرح می‌شود، وابسته است.

در مطالعه حاضر با استفاده از اطلاعات موجود، علل انواع مهاجرت روستاییان به شهر اعم از دائمی و موقت در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. پدیده بیکاری در روستا از جمله عوامل مهم مهاجرت روستاییان است که سبب می‌شود گروه زیادی از افراد جوان و فعال روستایی بصورت دائم یا موقت سرزمین خود را ترک و به مناطق دیگری که امکان فعالیت و اشتغال در آن وجود دارد، روی آورند. از این لحاظ، بیکاری در جامعه روستایی را می‌توان نوعی "پس افتادگی فرهنگی" تلقی کرد و از این دیدگاه مورد بررسی قرار دارد. زیرا رشد جمعیت در جامعه روستایی زیاد است، در حالی که زمینهای زراعی خانوار روستایی تغییر نمی‌کند و تقریباً ثابت است. در نتیجه، بر اثر افزایش جمعیت، به مرور زمان بخشی از جمعیت روستایی (جمعیت اضافی) بیکار می‌شوند. این پدیده که معلول ناهماهنگی بین میزان زمین و نیروی کار در جامعه روستایی است، به عنوان نوعی پس افتادگی فرهنگی تلقی می‌شود. ورود وسائل و ابزار صنعتی و تکنولوژی زراعی نیز جای کارگر زراعی را می‌گیرد و به این ترتیب تقاضا برای نیروی کار را کاهش می‌دهد و مسئله بیکاری را در

جامعه روستایی تشدید می‌کند. مطلب دیگر، ویژگی خاص طبیعت کشاورزی است که بر اثر آن فعالیت‌های کشاورزی در پاره‌ای فصول راکد بوده و حتی نیروهای شاغل در امور زراعی نیز در این فصول بیکارند و به دنبال یافتن کار به شهرها روی می‌آورند و بطور موقت در شهرها اقامت می‌کنند و گروه مهاجران فصلی را تشکیل می‌دهند. اینان با رفت و آمدهای فصلی مکرر و یافتن کار، بندریج ده را بکلی ترک می‌کنند و بطور دائم ساکن شهر می‌شوند. بنابر مطالعه حاضر، از کل مهاجران روستایی ۱۶/۸ درصد بر اثر بیکاری مهاجرت کرده‌اند. این نسبت برای مهاجران دائمی ۱۷/۹ درصد و مهاجران فصلی ۱۳/۶ درصد بوده است. در جدول شماره (۸) وضعیت مهاجران روستایی اعم از دائم و موقت بر حسب علل مهاجرت نشان داده شده است.

چنانکه مشاهده می‌شود، از دیگر عوامل مهم مهاجرت روستاییان، کمبود درآمد از منابع کشاورزی است. این پدیده در گذشته به علت پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی بسیار شدید بوده و امروز تا حد زیادی از میزان آن کاسته شده است. با وجود این، هنوز هم از عوامل مهم مهاجرت روستاییان به شهر به شمار می‌آید. بر اساس مطالعه حاضر، از کل مهاجران، ۱۶/۳ درصد به علت کمبود درآمد، ده خود را ترک کرده و به مناطق دیگری روی آورده‌اند. این نسبت به تفکیک برای مهاجران دائمی ۱۱ درصد و مهاجران موقت ۲۳/۳ درصد بوده است. کمی درآمد عمدتاً مربوط به زارعان خرده یا می‌باشد که زمین کمی در اختیار دارند. این افراد به علت کمی وسعت اراضی زراعی یا قطعه قطعه بودن زمینها و غیر اقتصادی بودن آنها اقدام به مهاجرت می‌کنند. گروهی از زارعان بعلت عدم توانایی مالی قادر نیستند از فنون جدید کشاورزی استفاده کنند. در نتیجه، بازده زمین پایین است و نمی‌توانند از طریق اشتغال به فعالیت‌های زراعی معیشت خود را تأمین نمایند در نتیجه مهاجرت می‌کنند.

مهاجران فصلی معمولاً اراضی زراعی خود را تحت نظر دارند و گاهی نیز برای نظارت و برداشت محصول به ده برمی‌گردند یا زمین خود را به

زارغان بزرگ می‌سپارند و بر اساس قرارداد، قسمتی از محصول را بابت آن دریافت می‌دارند و در عین حال برای کسب درآمد در شهرها کار می‌کنند. روستاییان خرده‌پا و کم‌زمین، ایامی که در ده اقامت دارند، دچار بیکاری پنهان هستند و به ظاهر مشغول کارند، ولی نمی‌توانند معاش خود را تأمین کنند. لذا به ناچار برای مدتی از سال در شهرها بکار می‌پردازند و از این طریق کمبود درآمد خود را جبران می‌کنند. بعلت محدود بودن فعالیتهای صنعتی در شهرها بیشتر مهاجران به خدمات و کارهای ساختمانی، دستفروشی، واسطه‌گری و خرید و فروش می‌پردازند.

مهاجرت زنان روستایی تا حد زیادی جنبه منفی دارد، زیرا به همراه شوهر، پدر و یا فرزندان خود سرزمینشان را ترک می‌کنند. از مجموع مهاجران روستایی جامعه مورد مطالعه، ۸/۴ درصد به همراه خانواده ده خود را ترک کرده‌اند. ازدواجهای برون‌گروهی نیز از جمله عوامل مهم مهاجرت برای زنان روستایی است. بر اساس جدول شماره (۸)، ۳۳ درصد مهاجران به علت ازدواج مهاجرت کرده‌اند. این نوع ازدواجها گاهی به شکل "خوش همسری" است و گاه نیز جنبه "بیگانه همسری" دارد. زنان پس از ازدواج از روستای محل سکونت خود به روستای محل

سکونت شوهر مهاجرت می‌کنند. در اجتماعات "دهقانی - قبیله‌ای" ازدواجها بیشتر در درون گروههای طایفه‌ای صورت می‌گیرد و طایفه‌های مختلف یک ده از این حیث شکلی کاملاً بسته دارند و خیلی بندرت فرد بیگانه را در گروه خود می‌پذیرند. دایره همسرگزینی محدود به همان چارچوب گروه طایفه‌ای است و از آنجایی که خانواده‌های هم طایفه بطور پراکنده در دهات مختلف سکونت دارند، در بسیاری موارد همسران خود را در اعضای هم طایفه خود که در دهات دیگر سکونت دارند می‌یابند. بنابراین هر چند ازدواج در درون گروه خویشاوندی و طایفه‌ای انجام می‌گیرد، ولی دایره انتخاب همسر تا روستاهای دیگر گسترش می‌یابد. عدم تجانس فرهنگی طایفه‌های مختلف ساکن در یک ده و ممنوعیت ازدواج میان آنها سبب می‌شود که زنان روستایی بر اثر ازدواج با افراد هم طایفه ساکن در دهات مختلف به نقاط دور یا نزدیک مهاجرت کنند. علاوه بر عوامل مذکور علل مختلف دیگری نیز مانند وقوع جنگ، اشغال نظامی، خطرات و صدمات ناشی از آن سبب مهاجرت‌های اجباری شده که با گذشت زمان و طولانی شدن مدت اقامت مهاجران در سرزمینهای بیگانه و بتدریج با پیدایش علایق و دلبنسنگها از بازگشت به مناطق

اولیه خودداری می‌کنند. برخی دیگر از عوامل مهاجرت مانند عدم وجود امکانات بهداشتی، تفریحی و امور مشابه دیگر را نیز می‌توان از دافعه‌های دیگر اجتماعات روستایی به شمار آورد.

از مسائل دیگری که در زمینه مهاجرت روستاییان به شهر مطرح می‌شود، عامل بیرونی مهاجرت است. این عامل که مربوط به مقصد مهاجران است، به عنوان نیروی جاذب جمعیت دارای اهمیت خاصی است. بدون تردید تأثیر این عامل در جذب مهاجران در مناطق مختلف متفاوت است و بطور عمده با حجم شهرها و فاصله میان مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست در ارتباط است. اگرچه تهران از حیث نیروی جاذب جمعیت دارای اهمیت زیادی است، ولی با وجود این عامل مسافت و چگونگی راههای ارتباطی میان مناطق مهاجر پذیر و مهاجر فرست در امر مهاجرت تأثیر دارد.

می‌توان گفت که بعد مسافت، دوری و دشواری راه میان منطقه مهاجرفرست و قطب جاذب جمعیت، اثر نیروی جاذبه را تا حد زیادی خنثی می‌کند و در امر مهاجرت تأثیر منفی دارد. در حالی که مهاجران روستایی سمنان و گرمسار جذب تهران می‌شوند، بیشتر مهاجران منطقه

جدول شماره (۸): توزیع مهاجران فصلی و دائمی خانوارهای نمونه بر حسب علل مهاجرت

نوع مهاجرت	جمع		دائمی		فصلی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
علل مهاجرت						
جمع	۱۷۶۰	۱۰۰	۱۲۹۶	۱۰۰	۴۶۴	۱۰۰
بیکاری	۲۹۵	۱۶/۸	۲۳۲	۱۷/۹	۶۳	۱۳/۶
کمی درآمد	۲۵۱	۱۴/۳	۱۴۳	۱۱/۰	۱۰۸	۲۳/۳
نبودن رفاه	۶۹	۳/۹	۴۰	۳/۱	۲۹	۶/۳
تحصیل	۱۸۹	۱۰/۷	۶۵	۵/۰	۱۲۴	۲۸/۷
ازدواج	۵۸۱	۳۳/۰	۵۷۱	۴۴/۱	۱۰	۲/۲
همراه خانواده	۱۴۷	۸/۴	۸۸	۶/۸	۵۹	۱۲/۷
سایر علل	۲۲۸	۱۲/۹	۱۵۷	۱۲/۱	۷۱	۱۵/۳

خلخال به شهرهای استان گیلان روی می‌آورند و تهران با جذب نسبت کمتری از مهاجران منطقه خلخال در درجه پائین تری قرار دارد. بدون شک این امر با نزدیکی تهران به گرمسار و سمنان و دوری تهران از خلخال ارتباط دارد؛ زیرا دوری تهران از خلخال از اثر نیروی جاذبه می‌کاهد. در مقابل، قطب‌های جاذب دیگر شهرهای استان گیلان هر چند نیروی جاذبه تهران را ندارند، لیکن به علت نزدیکی بیشتر به خلخال اکثر نیروی آزاد روستایی منطقه خلخال و آذربایجان را بخود جذب می‌کنند. جذب مهاجران تا حد زیادی تحت تاثیر نیروی جاذب مناطق مهاجرپذیر و وجود امکانات شغلی در آن است. تهران از این حیث دارای اهمیت است و می‌تواند به علت امکانات اشتغال، گروه زیادی از روستاییان فعال ساکن روستاهای مناطق مختلف کشور را که دچار بیکاری و کم کاری هستند، بخود جذب کند. این امر همچنین در مورد مهاجران سیستان و بلوچستان که بر اثر بیکاری و کار ناقص جذب سرزمین گرگان، دشت و گنبد کاووس می‌شوند و در مزارع پنبه و برنج این مناطق فعالیت می‌کنند تا حد زیادی صادق است.

هر چند تسهیلات ارتباطی و وجود بازار کار در ایجاد مهاجرت و جذب مهاجران یک سرزمین موثر است، اما این امر در بسیاری از موارد با عامل فرهنگی و آداب و رسوم، سنتها و ارزشهای اجتماعی و زبان مشترک میان مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست ارتباط دارد.

مهاجرت روستاییان منطقه ترک نشین دهستان کرانی بیجار به زنجان بعلمت وجود زبان و فرهنگ مشترک و کنشهای متقابل اجتماعی است که میان دو جامعه مهاجرپذیر و مهاجرفرست وجود دارد و موجب همزیستی متقابل میان افراد می‌گردد.

از عوامل دیگر موثر در پدیده مهاجرت روستاییان به شهر، جاذبه و فریبندگی ظواهر آراسته و پرتجمل زندگی شهری می‌باشد که آن را نمی‌توان آن را از نظر دور داشت. شهرها اغلب به علت ظاهر آراسته گروه زیادی از روستاییان را به خود جلب می‌کنند. این پدیده از گذشته‌های بسیار دور در تاریخ اجتماعات بشری وجود داشته

است، بسیاری از اندیشمندان اجتماعی از جمله "ابن خلدون" - که به عنوان پیشاهنگ جامعه‌شناسی معروف است - بدان اشاره دارد. ابن خلدون می‌نویسد؛ "توانگران بادیه نشین به شهرها روی می‌آورند و بتدریج غرق در تجملات زندگی شهری می‌شوند و نیروی عصیبت را که به هنگام زندگی بادیه نشینی در آنان وجود داشته است و سبب بقاء و دوام اجتماع بوده است، از دست می‌دهند. در نتیجه، به زوال و نابودی می‌گیرند." در جوامع روستایی پدیده شهرنشینی و سکونت در شهر و شهری بودن در میان روستاییان به عنوان نوعی ارزش اجتماعی تلقی می‌شود و مورد خواست و آرزوی ده‌نشینان است. شاید بتوان گفت که گروهی از روستاییان بر اثر تحقیرهایی که از گذشته‌های دور واز دورانهای بزرگ مالکی از جانب شهری‌ها بر آنان اعمال می‌شد، به گونه‌ای احساس حقارت و نارضایی نسبت به پایگاه اجتماعی و زندگی روستایی پیدا کرده و نسبت به گروه خود بدبین و بی‌اعتنا شده‌اند. بدبینی، احساس حقارت و از خود بیگانگی از جمله عوامل موثری است که روستایی را به گریز از ده و گروه خود و اقامت و زندگی در شهر بر می‌انگیزد. بنابراین اگر عامل مهاجرت برای گروهی از مردم روستا کم‌کاری، بیکاری، کمبود درآمد و بطور کلی عوامل درونی مهاجرت و نیروی دافعه جامعه روستایی است، پاره‌ای از روستاییان تحت تاثیر عوامل بیرونی مهاجرت قرار می‌گیرند و شاید مهمترین انگیزه مهاجرت برای آنان، ناهمسانی زندگی شهری و روستایی و وجود امکانات رفاهی، بهداشتی و فرهنگی بیشتر در شهر و بطور کلی امتیازات زندگی شهری و ارزش اجتماعی شهرنشینی است.

مطلب دیگری که در زمینه مهاجرت می‌توان مطرح کرد، مهاجرت معکوس یا مهاجرت از شهر به ده و به عبارت دیگر بازگشت به زمین یا بازگشت به روستا است. مهاجرت معکوس که هم اکنون در کشورهای غربی از جمله مسائل جامعه‌شناسی روستایی است و مورد بررسی و مطالعه قرار دارد، در جامعه ما نیز این امر به صورت پراکنده مشاهده می‌شود.

بازگشت به ده در ابتدا معلول تبلیغات مربوط به اصلاحات ارضی بود، ولی از جهت اینکه

تقسیم ارضی، همه گروهها و قشرهای روستائین را در بر نمی‌گرفت، گروهی از روستاییان که موفق به اخذ زمین نشدند، از همان آغاز مجدداً از روستا به شهر مهاجرت کرده و این امر بطور روزافزونی ادامه پیدا کرد. امروزه نیز مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها نه تنها از جهت لطمه زدن به اقتصاد کشاورزی مملکت در خور تامل است، بلکه با توجه به عدم مهارتهای فنی کارگران مهاجر روستایی و کمبود نیروی متخصص در شهرها بر رسیهای ویژه‌ای را چه از نظر نگهداشت جمعیت روستایی و تسامین نیروی لازم در کشاورزی و چه از لحاظ بهره‌گیری صحیح از نیروی انسانی آزاد روستایی در شهرها و مراکز صنعتی ضروری می‌نماید. مطلب قابل توجه دیگر، ارزیابی فعالیت‌های جهاد سازندگی و تاثیر آن در کاهش میزان مهاجرت روستاییان به شهر و نگهداشت جمعیت روستایی است که بررسیهای جدیدی را در این زمینه مطرح می‌سازد.

وضع فعالیت و اشتغال در جوامع روستایی

در بررسیهای دموگرافیک، جمعیت فعال به گروهی از جمعیت اطلاق می‌شود که میان سنین ۱۵ تا ۶۵ سال قرار می‌گیرند. این امر ممکن است در جوامع صنعتی و در شهرها صادق باشد، ولی در سرزمینهای کشورهای در حال توسعه، بویژه در جوامع روستایی که خانواده‌ها بطور عمده دارای کارکردهای اقتصادی هستند، همه اعضای خانواده از مرد، زن و کودک در زمینه‌های اقتصاد خانواده نقش دارند و هر کدام سهمی از کار تولیدی را بر عهده می‌گیرند. بعلاوه گروه زیادی از مردان در دوران سالخوردگی بعلمت عدم تسامین معاش کار می‌کنند. به همین جهت، در بررسی حاضر برای جمعیت فعال گروه سنی ۱۰ ساله و بالاتر در نظر گرفته شده‌است؛ هر چند که بنابر مشاهدات انجام شده در اجتماعات روستایی تعداد زیادی از کودکان کمتر از ۱۰ سال نیز در امور تولیدی خانواده در کارهای زراعی، دامداری، باغداری صنایع دستی بویژه در خدمات ساده کشاورزی، با خانواده خود همکاری دارند و زیر نظر پدر و مادر خود کار

می‌کنند. بنابر آمار موجود از کل ۱۱۶۷۸ جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر خانواده‌های نمونه ۴۴ درصد شاغل به کار بوده‌اند. از این افراد به میزان ۴/۶ درصد محصلان و دانشجویانی بوده‌اند که ضمن اشتغال به تحصیل، به والدین خود در امور تولیدی کمک می‌کرده‌اند. ۱۲ درصد نیز زنان روستایی را در برمی‌گیرد که در عین اشتغال به امور خانه، فعالیت اقتصادی داشته‌اند. جدول شماره (۹) چگونگی وضعیت اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر خانواده‌های نمونه را نشان می‌دهد. چنانکه از جدول شماره (۹) مستفاد می‌شود میزان اشتغال برای مردان ۵۴/۵ درصد و برای زنان ۳۲/۳ درصد است. از زنان شاغل ۳ درصد را محصلان و دانشجویان تشکیل داده‌اند که ضمن انجام تحصیل در فعالیت اقتصادی به خانواده خود کمک می‌کرده‌اند. ۲۵ درصد نیز خانه‌دار

شاغل بوده‌اند.

روی هم رفته از کل ۳۲۰۵ نفر جمعیت شاغل خانوارهای نمونه تعداد ۲۹۳۱ نفر (۹۱/۵ درصد) مرد و ۲۷۴ نفر (۸/۵ درصد) زن بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که از هر ۱۰۰ نفر جمعیت شاغل خانوارهای نمونه حدود ۹۱ نفر مرد و ۹ نفر زن بوده‌اند. اما، از آنجا که قسمت زیادی از فعالیتهای اقتصادی خانواده‌های روستایی را زنان خانه‌دار بعهده دارند، میزان اشتغال زنان خانواده‌ها بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد؛ چنانکه از کل ۵۱۳۳ نفر جمعیت شاغل اعم از دانشجویان و محصلان و کسانی که ضمن انجام کارهای خانه فعالیت اقتصادی دارند، حدود ۳۳۲۲ نفر (۶۵ درصد) مرد و ۱۸۰۱ نفر (۳۵ درصد) زن بوده‌اند. مقایسه ارقام مذکور سهم قابل ملاحظه زنان را در امور اقتصادی خانواده نشان می‌دهد.

از کل جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر جامعه روستایی نمونه ۳/۳ درصد بطور آشکار بیکار بوده‌اند که نسبت آنها به تفکیک برای مردان ۴/۴ درصد و برای زنان ۲/۱ درصد می‌باشد. در جدول شماره (۱۰)، وضع فعالیت، اشتغال و نیز بیکاری جمعیت روستایی ایران طی چهار دوره سرشماری مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

ارقام مندرج در جدول یاد شده حاکی از آن است که میزان فعالیت طی چهار دوره سرشماری بتدریج کاهش یافته است و میزان جمعیت فعال در سال ۱۳۶۵ به مراتب از دوره‌های قبل کمتر بوده است. همچنین میزان اشتغال نیز در طی چهار دوره سرشماری کم شده است. در سال ۱۳۶۵ همچنین میزان جمعیت شاغل نسبت به دوره‌های قبل کمتر بوده است. در مقابل، میزان بیکاری با نسبتهای متفاوتی از ۱/۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱۱/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ و ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ رسیده است. با وجود شرایط نامناسب اشتغال در جامعه، میزان بیکاری از ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۲/۹ درصد و در سال ۱۳۶۵ تنزل کرده است. بر اساس آمار بدست آمده از سرشماریهای چهارگانه بیش از نیمی از جمعیت گروه سنی ۱۰ ساله به بالا را جمعیت غیر فعال تشکیل می‌دهد. هر چند تغییر میزان جمعیت غیر فعال در سالهای مختلف نامنظم است، ولی بطور کلی رو به افزایش است و از ۵۱/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۵۰/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ و ۵۲/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ نوسان دارد و در سال ۱۳۶۵ به ۶۰/۳ درصد افزایش می‌یابد. بدون تردید افزایش میزان جمعیت غیر فعال تا حد زیادی با زاد و ولد زیاد و فزونی نسبت جمعیت خردسال بستگی دارد. بنابر سرشماری ۱۳۶۵ نسبت ۴۸/۵ درصد از کل جمعیت روستایی ایران را جمعیت گروه سنی کمتر از ۱۰ سال تشکیل می‌دهد و این نسبت برای جمعیت کمتر از ۱۵ سال ۵۳/۴ درصد بوده است. جمعیت شاغل خانوارهای نمونه مورد مطالعه در زمینه‌های مختلف تولیدات زراعی، دامداری، باغداری، صنایع دستی فعالیت داشته‌اند.

جدول شماره (۱۱) که حاصل ادغام ۲۴ جدول مربوط به ۲۴ استان است درصد شاغلان را در هر یک از گروههای شغلی در روستاهای مورد

جدول شماره (۹): توزیع جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر خانوارهای نمونه بر حسب جنس و وضع اشتغال

نوع شغل	جمع		مرد		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمع	۱۱۶۷۸	۱۰۰	۶۱۰۷	۱۰۰	۵۵۷۱	۱۰۰
شاغل	۳۲۰۵	۲۷/۱۴	۲۹۳۱	۴۸/۰	۲۷۴	۴/۹
محصل و دانشجوی شاغل	۵۲۱	۴/۶	۳۶۳	۵/۹	۱۶۸	۳/۰
محصل و دانشجوی غیر شاغل	۳۳۶۵	۲۸/۸	۲۰۶۳	۳۳/۸	۱۳۰۲	۲۳/۴
خانه‌دار و شاغل	۱۳۹۷	۱۲/۰	-	-	۱۳۹۷	۲۵/۰
خانه‌دار غیر شاغل	۲۲۲۳	۱۹/۰	-	-	۲۲۲۳	۳۹/۸
سرباز	۲۹۳	۲/۵	۲۷۲	۴/۵	۲۱	۰/۴
معول و ازکارافتاده	۲۸۳	۲/۴	۱۲۵	۲/۰	۱۵۸	۲/۸
بیکار	۳۸۱	۳/۳	۲۶۴	۴/۴	۱۱۷	۲/۱

جدول شماره (۱۰): مقایسه میزان فعالیت، اشتغال و بیکاری در جمعیت ده ساله و بالاتر

وضع فعالیت و اشتغال	سال	کشور در طی دوره‌های سرشماری						
		جمعیت فعال		جمعیت شاغل		جمعیت بیکار		
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
	۱۳۳۵	۸۵۹۷۰۰۰	۴۱۷۳۰۰۰	۴۸/۵	۴۱۰۰۰۰۰	۲۷/۷	۷۳۰۰۰	۱/۸
	۱۳۴۵	۱۰۲۵۳۰۰۰	۵۰۷۳۰۰۰	۴۹/۵	۴۵۰۵۰۰۰	۴۳/۹	۵۶۸۰۰۰	۱۱/۲
	۱۳۵۵	۱۱۵۷۵۰۰۰	۵۴۶۰۰۰۰	۴۷/۲	۴۶۸۷۰۰۰	۴۰/۵	۷۷۴۰۰۰	۱۴/۲
	۱۳۶۵	۱۴۴۳۸۰۰۰	۵۷۲۷۰۰۰	۳۹/۷	۴۹۸۸۰۰۰	۳۴/۵	۷۴۰۰۰۰	۱۲/۹

مطالعه نشان می‌دهد. زراعت، دامداری، باغداری، کارگری، فعالیتهای عمده خانوارهای مورد مطالعه روستایی را تشکیل می‌دهد. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، پدیده چندشغلی از جمله پدیده‌های رایج در جامعه مورد مطالعه است. تعداد مشاغل در جامعه روستایی مبتنی بر بنیادهای چهارگانه اقتصادی معیشتی است که از قدیم‌الایام شامل زراعت، باغداری، دامداری و صنایع دستی بوده است و این جدول‌گویای این حقیقت است. مهذا در دهه‌های اخیر نیازهای جدید جامعه روستایی تنوع این ترکیب را افزایش داده است. بسدون شک تعداد مشاغل یا چندپیشگی متداول در روستاها یکی از ویژگیهای بارز کشورهای در حال توسعه است. این چندپیشگی بویژه با پیچیدگی ساختاری این جوامع و افزایش نیازها گسترش می‌یابد.

پدیده شاغلین متعدد در خانوارهای مورد مطالعه

یکی از ویژگیهای بارز خانوارهای روستایی مورد مطالعه تعدد شاغلین است که با

توجه به ترکیب شغلی موجود و غلبه فعالیتهای غیرکشاورزی بویژه کارگری در بین خانوارها، واقعیهایی را می‌توان ملاحظه نمود که اهم آنها به قرار زیر است:

- ۱- کوچک بودن زمینهای کشاورزی
- ۲- تقلیل درآمد حاصل از کشاورزی
- ۳- قدرت جاذبه شهرها بویژه در بخش فعالیتهای ساختمانی
- ۴- بالا رفتن سطح زندگی خانوار روستایی و افزایش هزینه‌های آن.

بر اساس اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه‌های موجود از کل ۳۲۰۵۵ نفر مجموع شاغلان در روستاهای مورد مطالعه، ۸۰/۴ درصد آنها را خانوارهایی تشکیل می‌دهند که تنها یک نفر شاغل دارند. ۱۴/۴ درصد از خانوارها هر کدام دارای دو نفر شاغل، ۳/۶ درصد خانوارها دارای سه نفر شاغل و تنها ۱/۶ درصد شامل خانوارهایی می‌گردند که دارای ۴ نفر شاغل و بیشتر هستند (جدول شماره ۱۲).

بر اساس این جدول بیشترین میزان خانوارهای چند شغله در استان یزد (۶۳/۱)

درصد) و کمترین میزان (۰/۲ درصد) در استان بوشهر مشاهده می‌شود.

پس از یزد بیشترین خانوارهای با افراد شاغل دو نفر و بیشتر، متعلق به استان کهگیلویه و بویراحمد (۳۹/۳ درصد) است، مازندران (۳۹/۲ درصد) و کردستان با ۳۸/۴ درصد در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد در مناطقی که معیشت دامداری غلبه دارد و یا آنکه زنان نیز دوش به دوش مردان در کار زراعت بکار مشغولند، پدیده چند شغلی بیشتر مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال در استانهای کهگیلویه و بویراحمد و استان کردستان که ساختار دهقانی - دامداری، ساختاری غالب است و نیز در استان مازندران که زنان در مزارع شایکاری نقش فعال و موثری را برعهده دارند، این پدیده بصورت بارز و مشخصی نمایان است. تنها در این میان استان یزد است که به نظر می‌رسد به دلیل گسترش صنایع دستی و کارگاههای متعدد خانگی دارای یک نفر شاغل است.

بر اساس جدول شماره (۱۲) بخش عمده‌ای از شاغلین خانوار را زنانی تشکیل می‌دهند که در

جدول شماره (۱۲) تعداد شاغلین هر خانوار در جامعه مورد مطالعه

نام استان	شاغلین خانوار (یک نفر)		شاغلین خانوار (دو نفر)		شاغلین خانوار (سه نفر)		شاغلین خانوار (چهار نفر)		جمع شاغلین
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱ یزد	۳۰۶	۳۶/۹	۲۲۵	۵۱/۱	۷۸	۹/۴	۱۱	۱/۳	۸۳۰
۲ کرمان	۵۸۷	۸۷/۵	۳۶	۵/۱	۲۵	۳/۷	۲۳	۳/۴	۶۷۱
۳ قزوین	۹۲۲	۶۴/۳	۲۲۰	۱۶/۶	۱۲۷	۸/۹	۱۴۶	۱۰/۲	۱۴۳۵
۴ خوزستان	۸۰۱	۹۰	۷۰	۷/۹	۱۷	۱/۹	۲	۰/۲	۸۹۰
۵ فارس	۱۳۱۹	۷۸	۳۱۵	۱۹	۶۸	۲/۸	۴	۰/۱	۱۶۸۶
۶ کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۵۹	۶۰/۷	۶۷۳	۳۸/۵	۸	۰/۵	۶	۰/۳	۱۷۴۶
۷ کرمانشاه	۱۰۳۵	۸۲/۹	۱۵۸	۱۲/۷	۲۹	۳/۹	۸	۰/۶	۱۲۵۰
۸ ایلام	۷۷۶	۹۲/۵	۴۸	۵/۸	۹	۱/۰۷	۶	۰/۸	۸۳۹
۹ سیستان و بلوچستان	۱۲۱۹	۹۴/۴	۵۸	۳/۹	۲۱	۱/۵	۴	۰/۳	۱۵۰۳
۱۰ مرکزی	۱۰۱۶	۸۴/۱	۱۲۳	۱۰/۲	۲۷	۳/۹	۲۲	۱/۸	۱۲۰۸
۱۱ سمنان	۷۹۸	۷۱/۵	۲۲۹	۲۰/۶	۶۸	۶/۰۹	۲۱	۱/۹	۱۱۱۶
۱۲ بوشهر	۱۳۴۰	۹۹/۸	۳	۰/۲	-	-	-	-	۱۳۲۳
۱۳ لرستان	۸۰۱	۷۸/۶	۱۵۵	۱۴/۸	۵۶	۵/۴	۱۳	۱/۲	۱۰۴۵

جریان سرشماریهای عمومی شاغل محسوب نمی‌شوند؛ به عبارت دیگر، به رغم آنکه بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵ کل شاغلین زن روستایی بالغ بر ۴۵۵۳۶۳ نفر و یا چیزی در حدود ۱۰ درصد کل شاغلین نقاط روستایی برآورد شده است، معهداً بر اساس نتایجی که از پرسشنامه‌های موجود بدست آمده است، نزدیک به ۲۵ درصد کسانی که بعنوان شاغلین دوم یا سوم یا چهارم عملاً و فعالانه در زمینه صنایع دستی در کارگاههای خانوادگی و یا دامداری و باغداری بکار اشتغال داشته و سهم عمده‌ای در تولید داشته‌اند، رازنان تشکیل می‌دهند.

سکونتگاههای خانواددهای روستایی

وضع مسکن در جوامع روستایی از یک سو متأثر از الگوی معیشت خانواددها است و از سوی دیگر تحت تاثیر اقلیم و شرایط محیط طبیعی قرار دارد.

خانواده‌های روستایی معمولاً در احداث خانه‌های خود از امکانات محیطی و مواد

مصالحی که طبیعت در اختیار آنها قرار می‌دهد استفاده می‌کنند.

در روستاهای مناطق کوهستانی مصالح عمده ساختمانها از سنگ و گل تشکیل می‌شود. در دشت‌ها، مناطق نیمه‌کویری و حاشیه‌کویری، خانه‌ها خشت و گلی است. بیشتر این خانه‌ها دارای سقفهای گنبدی، ضریبی یا گهواره‌ای و دیوارهای ضخیم است تا حرارت بیرون به درون خانه نفوذ نکند. در پاره‌ای از خانه‌ها بر بالای بام بادگیرهایی جهت تهویه هوا ایجاد شده است. در این مناطق نوع ویژه‌ای از واحد مسکونی به نام "حوض خانه" وجود دارد که سقف آن بسیار بلند است، با فضای پشت بزرگ که در وسط آن حوضی وجود دارد که آب قنات از یکسو وارد آن و از سوی دیگر خارج می‌شود. این قبیل واحدهای مسکونی که هوای خنک دارد، در تابستان برای حفظ بدن از گرما طاق فرسای محیط بسیار مناسب است.

در مناطق جنگلی برای ساختن خانه استفاده از فرآورده‌های جنگلی متداول بوده و مصالح عمده ساختمان از چوب است. دیوارها، کف و

سقف اتاق چوبین است. حتی جهت پوشش سقف بسیاری از خانه‌های مسکونی از قطعات چوب به عرض ۳۰ تا ۴۰ و طول ۸۰ تا ۹۰ و قطر ۴ سانتیمتر - که اصطلاحاً لت Lat نامیده می‌شود - در پشت بام بگونه خاصی رویهم سوار می‌کنند. این نوع واحد مسکونی بطور عمده در مناطق جنگلی شمال ایران دیده می‌شود. در پاره‌ای از سرزمینهای شمالی مصالح ساختمانی عمدتاً چوب و گل است. در مواردی از آجر و خشت نیز استفاده می‌شود. سقف خانه‌ها دارای شیبی بسیار تند است و از جگن و یا از ورقه‌های سفید آهن پوشیده می‌شود. واحدهای مسکونی در پاره‌ای از مناطق روستایی از نوع کپر است. در روستاهای مناطق جنوب ایران بویژه مناطقی که اقتصاد نخل غالب است، انواع بیشتری از واحدهای مسکونی کپری بوده است که بطور عمده از فرآورده‌های درخت خرما در احداث بنا استفاده شده است. در مناطق دارای ساختار اجتماعی - اقتصادی و عشایری - دهقانی استفاده از چادر، کم و بیش متداول است و در پاره‌ای از موارد، روستاییان از دو نوع واحد مسکونی ثابت و متحرک استفاده می‌کنند. در

ادامه جدول شماره (۱۲): تعداد شاغلین هر خانوار در جامعه مورد مطالعه

نام استان	شاغلین خانوار (یک نفر)		شاغلین خانوار (دو نفر)		شاغلین خانوار (سه نفر)		شاغلین خانوار (چهار نفر)		جمع شاغلین
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۴ آذربایجان شرقی	۹۱۰	۷۹/۸	۱۴۸	۱۲/۲	۹۷	۸	۶۲	۵	۱۲۱۷
۱۵ خراسان	۱۱۲۵	۷۳/۳	۱۴۶	۱۶	۱۱۸	۷/۷	۴۵	۳	۱۵۳۲
۱۶ آذربایجان غربی	۱۰۵۴	۸۵	۱۰۹	۸/۸	۵۲	۴/۲	۲۴	۲	۱۲۳۹
۱۷ چهارمحال بختیاری	۱۴۶۲	۹۶/۴	۴۴	۲/۹	۷	-/۵	۳	-/۲	۱۵۱۶
۱۸ اصفهان	۱۲۱۵	۸۸/۵	۱۰۱	۷/۱	۲۷	۳/۴	۹	-/۷	۱۳۷۲
۱۹ گیلان	۱۵۱۲	۸۵/۵	۲۱۱	۱۲	۳۰	۱/۷	۱۶	-/۹	۱۷۷۱
۲۰ مازندران	۸۲۹	۶۰/۸	۵۰۶	۳۷/۰۹	۴۸	۲/۰۵	۱	-/۰۷	۱۳۶۴
۲۱ همدان	۱۴۲۶	۸۰/۰۶	۲۴۴	۱۳/۷	۹۶	۵/۲	۱۵	-/۸۴	۱۷۸۱
۲۲ تهران	۱۵۴۳	۹۱/۱	۱۴۰	۸/۳	۱۰	۰/۶	-	-	۱۶۹۳
۲۳ کردستان	۶۲۰	۶۱/۶	۱۳۳	۲۳/۲	۹۹	۹/۸	۵۲	۵/۴	۱۰۰۶
۲۴ هرمزگان	۱۸۸۲	۹۲/۱	۹۱	۴/۶	۲۱	۱	۶	-/۳	۲۰۰۰
جمع کل	۲۵۷۷۹	۸۰/۴	۴۶/۶	۱۴/۴	۱۱۵۹	۳/۶	۵۰۱	۱/۶	۳۲۰۵۵

جدول شماره (۱۳) انواع واحدهای مسکونی خانوارهای نمونه درج گردیده است. چنانچه ملاحظه می شود از کل واحدهای مسکونی خانوارهای روستایی نمونه تعداد ۱۷۷۵ واحد یا ۹۱ درصد از نوع ساختمان می باشد. از دیگر واحدهای مسکونی، کپر با ۵/۳ درصد و چادر با ۱/۸ درصد در رتبه های دوم و سوم قرار می گیرند. کپر نشینی در آذربایجان غربی ۲۳/۲ درصد و سیستان و بلوچستان، خوزستان و هرمزگان بین ۸ تا ۱۰ درصد معمول بوده است. در سالهای اخیر تغییرات زیادی در وضع مسکن خانواده های روستایی پدید آمده است. افزایش ارتباط بین شهر و ده، مهاجرت روزافزون روستاییان به شهر خاصه مهاجرت های تحصیلی روستاییان، ورود ماموران دولتی از جمله ماموران جهاد سازندگی به روستا، پیدایش روحیه رفاه جویی در مردمان روستایی، دگرگونی عمیقی در ساختار اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه پدید آورده است. از جمله آنها تغییرات شکل سکونت خانوارهای روستائین می باشد. این تغییرات که معلول انگیزه های نیرومند روستایی در شرایط کنونی است، هم در زمینه های مربوط به استفاده از ابزارها و وسایل و تکنیکهای جدید ساختمان سازی و هم مربوط به مصالح ساختمانی است. ساختمانها اغلب بر اساس طرح و نقشه از قبل تعیین شده بنا می شوند. در احداث آنها اصول بهداشتی کاملاً رعایت می گردد. اتاقها روشن و دارای پنجره های بزرگ است و در مجموع این تغییرات، هر چند نشانه نوعی تقلید از زندگی و

فرهنگ شهری مشاهده می شود، با این وجود روشنگر گسترش جهان بینی و بالا رفتن سطح شعور و آگاهی روستاییان است و می تواند در ساختار اقتصادی و اجتماعی آنها تاثیر مطلوبی داشته باشد. خانواده های روستایی از لحاظ تعداد اتاقهای مسکونی وضع متفاوتی دارند. متوسط تعداد اتاق برای هر خانواده ۱/۳۲ اتاق می باشد و میانگین اتاق برای هر نفر برابر ۰/۴ محاسبه شده است.

ارقام مذکور مبین تراکم شدید جمعیت در مساکن جامعه روستایی ایران است و نشان می دهد که خانوارهای نمونه از حیث مسکن در مضیقه هستند.

کمبود مسکن در مناطق مختلف روستایی وضعی متفاوت دارد. ویژگی اساسی مسکن در روستا اختلاط فضای کار و سکونت است، بر خلاف مساکن شهری که محل استراحت افراد است، در مناطق روستایی بر حسب کارکرد تولیدی خانواده ممکن است واحدهای مسکونی خانواده های روستایی بعنوان مرکز نگاهداری و پرورش دام و طیور، تولید فرآورده های دامی، محل کارگاه های صنایع دستی و نیز نگاهداری یا تولید محصولات کشاورزی مورد استفاده باشد. تقسیمات خانه متأثر از نحوه معیشت خانواده ها است. در روستاهای مناطق شمالی ایران، زیر پوشش ساختمان فضای خالی به نام بام وجود دارد که روستاییان از آن بصورت انبار نگاهداری لوازم زندگی و وسایل تولید و نیز محصولات زراعی بویژه شلتوک (برنج پوست

نکنده) استفاده می کنند. به علت بارندگی زیاد و مداوم، بام خانه، محل مناسبی برای نگاهداری شالی به شمار می رود، زیرا نگاهداری محصول برنج در بام خانه باعث حفظ آن از باران می شود و هم در اثر حرارت اجاقی که در اتاق به منظور گرم نگاهداشتن خانه روشن نگاه می دارند، شلتوک بتدریج خشک می شود و مرغوبیت پیدا می کند. زیرا اتاق نشیمن هم اغلب فضایی خالی به منظور نگاهداری دام وجود دارد که محل گرم و مناسبی برای حفظ دامها بویژه بوهه از سرما می باشد. در سالهای اخیر تغییرات و دگرگونیهای زیادی در وضع مساکن روستایی بوجود آمده است، گروه زیادی از خانواده های روستایی بویژه آن گروه که به شهرها مهاجرت کرده یا مدتی از اوقات خود را در شهرها گذرانده اند در واحدهای مسکونی خود تغییراتی ایجاد کرده اند، بعضی از خانوارهای روستایی برای سکونت خود خانه جدیدی احداث و در این زمینه از فرهنگ ساختمان سازی شهری تقلید کرده اند. لذا، در بناهای نوساخته روستایی اگرچه از لحاظ شکل، سادگی روستایی را در خود حفظ کرده، ولی تاثیر سبک خانه های شهری در آن مشاهده می شود. بعضی از خانواده های روستایی تغییری نیمه اساسی در وضع سکونت خود ایجاد کرده اند. بدین شرح که بعضی اطاقها را گچ کاری کرده و در اطاقهای قدیمی پنجره هایی به منظور استفاده از نور و روشنایی تعبیه کرده اند. بعضی کنار خانه قدیمی اطاقهایی احداث نموده و آنها را به خانه های قدیمی وصل کرده اند، بنظر می رسد که احداث بنا به سبک خانه های شهری تا مدتی دارای ارزش اجتماعی بوده و برای صاحب آن موجب کسب اعتبار اجتماعی می شده، اما امروز این وضع اندکی تغییر کرده است. تغییراتی که در سالهای اخیر در نحوه تفکر روستاییان رخ داده، در وضع مسکن آنها نیز تاثیر داشته است. احداث بنا در محل مناسب، تغییراتی که در محل نگاهداری لوازم بوجود آمده است، همچنین محل توالی و بهداشتی کردن آن و تغییرات دیگر که در زمینه مسکن در روستا پدید آمده تا حد زیادی روشنگر تغییرات فکری در میان روستائینان است. با افزایش درآمد خانواده های روستایی بویژه بر اثر افزایش قیمت محصولات کشاورزی و فراهم

جدول شماره (۱۳): توزیع خانوارهای نمونه بر حسب نوع واحدهای مسکونی

نوع واحد مسکونی	تعداد	درصد
جمع	۱۹۵۱	۱۰۰
چادر - آلاچیق	۳۵	۱/۸
کپر	۱۰۳	۵/۳
ساختمان	۱۷۷۵	۹۱/۰
سایر انواع	۱۵	۰/۸
اظهار نشده	۲۲	۱/۱

آمدن امکانات بیشتر در جهت رفاه خانواده‌ها، در مجموع زمینه مناسبی برای بهتر کردن شرایط مسکن در روستا پدید آورده است. بدون تردید توسعه شبکه‌های برق و بهداشتی کردن شرایط زندگی در ده، لوله‌کشی‌های آب و بسیاری از فعالیتها که بویژه از طریق وزارت جهاد سازندگی در مناطق روستایی بوجود آمده است زمینه‌ای جهت جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهر و نگهداشت جمعیت روستایی را فراهم کرده است. از جمله مسائل دیگری که در زمینه مسکن روستایی می‌توان مطرح کرد، نحوه تصرف واحدهای مسکونی است. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که اکثریت خانوارهای روستایی مالک واحد مسکونی خود بوده‌اند و در پاسخ محققان نحوه تصرف واحد مسکونی خود را "شخصی" اعلام کرده‌اند. تعداد ۱۸۵۱ نفر از سرپرستان خانوارهای نمونه مورد مطالعه در پاسخ راجع به نحوه تصرف واحد مسکونی خود کلمه شخصی را بکار برده‌اند، پس از آن خانواده‌هایی هستند که بطور مجانی، از واحد مسکونی استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که در جامعه روستایی مسئله خویشاوندی، در زمینه همکاری و ایجاد ارتباط و کنشهای متقابل میان افراد و خانواده‌ها نقش مهمی بعهده دارد. استفاده از خانه‌های مجانی بوسیله خانواده‌های ساکن می‌تواند تا حد زیادی روشنگر این واقعیت باشد. می‌توان گفت در مناطق شهری خاصه در جامعه‌های غربی، وجود مؤسسات مربوط به تعاون و همکاری نقش مهمی در زمینه مدد‌رسانی به جامعه بر عهده دارد. در مناطق روستایی این نقش بر عهده شبکه خویشاوندی است که خانواده‌های عضو شبکه خویشاوندی را در مورد نیازمندیهایشان کمک می‌کند و اعضاء شبکه خویشاوندی را به کمک رسانی و امداد اعضای دیگر گروه ترغیب و تشویق می‌نماید و حتی استفاده از واحدهای مسکونی مجانی بوسیله خانواده‌ای بصورت عملی در می‌آید که اعضاء اصلی شبکه خویشاوندی و ریش سفیدان به خانواده جوانی که تازه ازدواج کرده و مسکن ندارد از این حیث کمک زیادی می‌کنند.

بررسی وضعیت سواد در مناطق روستایی

نگاهی کلی به وضعیت سواد در مناطق روستایی ایران نشانگر این است که در سال ۱۳۶۵ حدود ۴۸ درصد از جمعیت بالای ۶ سال ساکن در روستاها از نعمت سواد بهره مند بوده‌اند. در حالی که این نسبت در سال ۱۳۷۵ به ۶۹ درصد افزایش یافته است. بررسی وضعیت سواد در جامعه نمونه این تحقیق نیز نشان می‌دهد که از کل ۱۱۸۴۴ نفر جمعیت بالای ۶ سال، ۵۶/۸ درصد باسواد بوده‌اند. البته لازم به ذکر است که وضع سواد در مناطق مختلف جامعه مورد مطالعه، متفاوت بوده و نسبت آن از ۳۸ درصد تا ۷۴ درصد نوسان داشته است.

مقایسه نسبت باسوادان در جمعیت ۶ ساله و بالاتر در مناطق مختلف روشنگر آن است که میزان سواد در مناطق تهران ۷۴/۲ درصد، یزد ۶۸ درصد، گیلان ۶۶/۶ درصد، مازندران و کرمان ۶۵/۲ درصد، فارس ۶۴ درصد، سمنان ۶۳/۲ درصد، هرمزگان ۶۱/۶ درصد، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد و ایلام حدود ۶۰ درصد و همدان ۵۷/۸ درصد کل جامعه روستایی مورد مطالعه بوده است.

نکته مهم دیگری که در این زمینه حائز اهمیت است، این که وضعیت سواد در میان مردان و زنان روستایی تفاوت‌های نسبتاً فراوانی را در کلیه مناطق نشان می‌دهد. بنابراین پژوهش در جامعه مورد مطالعه، ۶۸/۱ درصد از جمعیت باسواد را مردان تشکیل می‌دهد و میزان سواد در میان مردان ۷۴/۲ درصد بیشتر از زنان بوده است. البته این رقم در مناطق مختلف روستایی ایران متفاوت بوده، به طوری که در استان کردستان و در پاره‌ای از مناطق روستایی آذربایجان این اختلاف به ۳۲/۷ درصد می‌رسد. در حالی که این رقم در منطقه مازندران ۸/۶ درصد و پس از آن گیلان با ۹ درصد کمترین تفاوت را در این زمینه دارا می‌باشند.

منابع و ماخذ

۱- سوان سون، برتون. "مرجع ترویج کشاورزی"، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران،

انتشارات سازمان ترویج کشاورزی، تهران، ۱۳۷۰.

۲- سازمان برنامه و بودجه. "نظام ارضی در روستاهای ایران"، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و نیروی انسانی، ۱۳۶۰.

۳- طالب، مهدی. "مدیریت روستایی ایران"، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

۴- ظریفیان، شاپور. "بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی از نظر دانش‌آموزان مراکز آموزش کشاورزی"، پایان نامه.

۵- کیانی منش، داوود. "شرکت سهامی زراعی گرمسار، بخش تحقیقات روستایی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۰.

۶- مجموعه مقالات اولین کنگره بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران، ۱۳۶۱.

۷- مسائل ارضی و دهقانی (مجموعه مقالات)، انتشارات آگاه، ۱۳۶۱.

۸- مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری ادوار مختلف، ۱۳۷۱.

۹- نیک خلق، علی اکبر. "مقدمه‌ای بر جامعه شناسی روستایی ایران"، پژوهشکده علوم ارتباطی ایران، ۱۳۵۸.

۱۰- وثوقی، منصور. "جامعه‌شناسی روستایی"، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.

۱۱- ودیعی، کاظم. "مقدمه‌ای بر روستاشناسی ایران"، ۱۳۴۶.